

۱۰ نشست علمی در نهمین جشنواره ملی اسباب بازی ایران به بررسی مهم‌ترین موضوع‌ها و مسائل تخصصی این هنر-صنعت فراگیر و با اهمیت از دیدگاه صاحب‌نظران می‌پردازد. آیین گشایش نشست‌های علمی نهمین جشنواره ملی اسباب‌بازی در مرکز آفرینش‌های فرهنگی - هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان امروز در قالب نشست «بازی، اسباب‌بازی و استحکام

# گزنان گیلان

## آتش در این سریال را بررسی کردیم



د. توانستید از فیزیک حمیدرضا نعیمی به شخصیت مولا مخاطبان از افراد تنومند انتظار روحیه‌ای خوش

«سقراط» را نویسندگی و کارگردانی کردم که به علت راجب مخاطب داشت توانست ۵ سال متوالی در رتبه یابی روزی صحنه برود. در این نمایش آقای فرهاد آتیش با بازی می کرد. روزی خبرنگاری از ایشان خواست که دشمن بگویند. آقای آتیش گفتند: از خودم هیچ حرفی فقط زمانی که دارم بازی می کنم، می توانم بگویم که

ای زیاد، به عنوان گوه‌های قدرت و استقامت فتنه می‌شوند و من به آنها احترام می‌گذارم. من صحبت می‌کنم، به این نکته اشاره دارم که اولین تاریخ شکوه و عظمت خاصی داشته‌اند. با استبدادیت اولین زنی که در فضای سنتی و بدون اجازه همسرای خانواده‌اش از خانه بیرون می‌رفت به نام فاطمه بود. او با وجود تمام تنقید بوده که نمی‌شود در هنرهای نمایشی کار می‌رساند و بازی کنند. او با این تفکر متحجر و ملودیک در در نهایت به طرز فحشیه کشته شد. اگر اقتداری را نشان می‌دهد، این اقتدار وجودی زنان گیلان است و نه اقتدار سفارشی و نه اقتدار سیاسی. موج‌های اجتماعی به سمت این اثر می‌تابانند. برای بسیاری از جریان‌ها و ماجراهایی خیر تجربه کرده‌ایم نوشته شده است. اقتداریش درباره اقتدار زنان گیلان فیلمی ساخته‌ایم که اکنون این کار انجام شده است.

چکسی هستم، وقتی بازی می‌کنم متوجه می‌شوم آدم مهمی نیستی و از خود می‌پرسم من کی هستم؟ اما اگر از من بخواهید در مورد نقشی که بازی می‌کنم صحبت کنم، می‌توانم ساعت‌ها در مورد آن به شما صحبت کنم. الان دیگر می‌دانم سقراط کیست و می‌توانم در مورد سقراط صحبت کنم. بازیگری کی جریان پیچیده است. بازیگر باید بتواند از خود فاصله بگیرد و به شخصیتی دیگر تبدیل شود. این کار سختی است، زیرا در حالی که همه سعی می‌کنند خودشان باشند، بازیگر باید تلاش کند که کسی دیگر شود. اگر من برای خودم اصولی داشته باشم، ممکن است در یک فیلم نقشی را بازی کنم که هیچ همخوانی‌ای با شخصیت واقعی‌ام ندارد. همان طور که به زودی در یک سریال تاریخی نقش یک شخصیت منفی را بازی خواهم کرد. بازیگر باید توانایی داشته باشد که در رانهای مختلف نقش آفرینی کند، مثلاً من یک شخصیت تاریخی را برای خودم الگوبرداری می‌کنم. به تدریج تلاش می‌کنم به او نزدیک شوم. ممکن است سعی کنم از یک مسیر به ثبات برسم. در حالی که کار بازیگر ثبات داشتن نیست. بازیگر اغلب ثابت داشته باشد که نمی‌تواند ثابت کند. من بازیگر و بازیگرانی را دیده‌ام که خیلی از نقش‌ها را بازی می‌کنند، برخی نقش‌ها را بازی‌های تعریف می‌شوند که ممکن است شما در آنها موفق نباشید. مثلاً بعضی بازیگران فقط در نقش‌های کمدی موفق هستند و عده‌ای دیگر در نقش‌های جدی. آقای علیرضا خرمسه، به عنوان یک بازیگر کمدی، توانسته در نقش‌های جدی نیز موفق باشد. ایشان در فیلمی نقش یک آشپز را بازی می‌کرد که یک دستش علیل است. چنان‌که این نقش یک فرد آسیب‌پذیر جامعه از نظر مالی و اقتصادی را بازی می‌کردند که تمام مدت من برای‌شان درود می‌فرستادم. آقای علیرضا خرمسه در خیلی از کارهای کمدی هم موفق بودند. خصوصاً کارهای بابانجلی که هیچ ربطی به بازیگری ندارند و ایشان در این نقش درخشیدند.

۴ و حمیدرضا نعیمی چگونه به اسفندیار در «سوجان» رسید؟  
نقش اسفندیار در این سریال پیچیده نیست و من در این زمینه چالشی نداشتم. یک قاتل حرفه‌ای هم وقتی فرزندش را بغل

میرزا خطیبزاده، ناصرالدین  
بیات ساعت ۱۳:۲۰ تا ۱۵:۲۰  
تفاوت قرار است تا چهارشنبه  
ومجازی ادامه یابد، ننستی  
وتولوباشی ساعت ۹:۰۰  
موضوع (بازی، اسباب بازی،  
ساعت ۱۳:۲۰ تا ۱۵:۲۰ امروز

برگزار می شود. نشست «بازی  
علوم شناختی» از ساعت ۱۴:۰۰  
اسباب بازی و رسانه» از ساعت  
اول بهمن برگزار خواهد شد.  
در نشست ها به صورت مجازی  
در این شبانه ایترنی gargarh  
مهمان فراهم شده است.

یکی‌کند در نقش پدر به فرزندش عشق می‌ورزد و نه یک قاتل، این نشان می‌دهد که احساسات انسانی می‌تواند در هر شرایطی وجود داشته باشد. ممکن است در یک خانواده، پدر و مادر به راحتی ابراز عشق کنند، اما در خانواده‌های دیگر این ابراز عشق به شکل دیگری، وقتی اتفاقی بر یکی از اعضای خانواده بیفتد، همه کار می‌کنند و نگرانی می‌شود. من دوست دارم نقش‌های متفاوتی را بازی کنم. به ویژه نقش قاجاچی یا آدم‌کشی. زیرا این نقش‌ها می‌توانند من را به چالش بکشند و باعث شوند که بیشتر خودم

جهان اطرافم را بشناسم. هنرهای نمایشی باعث می‌شوند که من به مطالعه و تفکر بیشتری بپردازم و در مورد شخصیت‌هایی که بازی می‌کنم، عمیق‌تر فکر کنم. اگر نقش یک آدم بد را بازی می‌کنم، باید با قضاوت خودم کنار بیایم و به حد شخصیت نرسیم. باید با وجودم و وجود به این شخصیت نزدیک شوم و باور کنم هر کاری که او انجام خواهد داد کار درستی است. در این‌که پشت این قضیه اشکم را پنهان کنم.

در گفت‌وگوهایی که پیش از این داشتید، گفته‌اید: «جوانان به تاریخ خیانت کنند». در این باره قدری توضیح می‌دهید؟

در مورد خلق آثار هنری معتقدم که باید به تاریخ خیانت کرد. در تمام کارهای تاریخی من، خیانت وجود دارد.

فت، خیانت به تاریخ وجود دارد. اساساً کار من خیانت به تاریخ است. چرا که من شاعرم؛ شاعری دراماتیک. اسطو می‌گوید شاعران به سه دسته تقسیم می‌شوند: شاعران حماسی، شاعران غنایی و شاعران دراماتیک. به همین دلیل ما نویسندگان نمایشنامه، شاعرانی هستیم که با زبان شعر سخن می‌گویم. از سال ۱۳۷۵ به بعد ما وارد دوره درام مدرن شده‌ایم که در آن زبان نمایش و تئاتر از نظم به نثر تغییر کرده است. دوران ۱۳۵۰ گذشته را دوران درام مدرن می‌نامند. پس ما الآن هم به نثر می‌نویسیم همچنان شاعر دراماتیک هستیم، شاعر کسی است که تفکر و تخیل را به کار می‌گیرد و چندین بار ساخته را خودش یا همان تأویل شخصی خود را برپنداخته و تخیل را به مخاطب تقدیم می‌کند. او دروغ‌گوی است که راست می‌نماید. شاعر کسی است که به شکلی باید دروغ بگوید که شما باورش کنید. نویسنده یا شاعر قرار نیست بازتابنده آن چیزی باشد که در جامعه وجود دارد. من باید باوایل خودم را نشان دهم. اگر جامعه به من بگوید فلان کس بد است، من نگویم که خوب بودن او لالالت کنم مطمئناً به سمت خاکستری نشان دادن آن را خواهم رفت. نه این که بگویم باید چنین کرد؛ بلکه حرفم باطر به شک بر موضوع است. شک کردن و سؤال پیرامون آن باعث خلق اثر هنری خواهد شد. کار شاعر یا هنرمند در خلق اثر وفاداری به تاریخ نیست. تاریخ نوشته شده و تمام برداشت من از تاریخ، من نقاش من مجسمه‌ساز از آن واقع تاریخی چیست. این باید نشان داد. در نماند آنجاست که وقتی لوکارا یک سرهنگ شایسته‌تر از کوی در کشور اسپانیا بدستگیر کرد. از او پرسید آیا این شعری که در مورد ارتش سول نوشته‌ای واقعیت دارد؟ لوکارا پاسخ منفی داد. سرهنگ مجدد پرسید یعنی این اتفاق را که در شهرت آوردی که مثلاً سربازان سبانه به زن‌ها تعرض کردند، دیده‌ای. لوکارا دوباره جواب دادند من سرهنگ نفی می‌چرا چنین نوشته‌ای؟ لوکارا گفت چون من شاعرم و قرار است تخیل کنم. می‌خواستم سببیت ارتش سول را نشان دهم بنابراین این تصویر را برایش ساختم. تصمیم گرفته شد که لوکارا دروغ گفته و او را به تیرباران محکوم کردند. این خیلی سخت است که به کسی که در مزرع قضا و قضاوت نشسته، بگویی ادبیات یعنی دروغ. مثلاً مقدم برگ‌تریم دشمن من نویسنده نمایشنامه‌ای است که من کارگردان من هستم. همه فکر می‌کنند دارم بد نویسنده را می‌گویم در حالی که من دارم از قدرت نویسنده صحبت می‌کنم. من باید با قدرت نویسنده در نمایشنامه بجنگم تا بتوانم اثری را متبلور کنم و این نمایش را در درخشنده‌ترین شکل و با نام خودم بر صحنه بیاورم.

۱۴) و در قریب به اتفاق آزارتان، خودتان نمایاننامه نویسی هستید.  
من با خودم خوب می جنگم. من دو کاراکتر دیگر، یکی از آنها نعیمی  
پوینده است و دیگری نعیمی کارگردان. تا زمانی که نمایاننامه  
نویسیم، تمام وجود در نوشتن غرق می شود و هیچ چیزی برایم  
مهم نیست؛ نه مهمانی می دهم، نه به مهمانی می روم، نه خیلی تلفن

سبب بازی، رشد و نشست «بازی»، ۱۱ تا ۱۵، دوشنبه  
این امکان تماشای برای علاقه‌مندان  
live.kpf با گزینه

جواب می‌دهم و نه حوصله آدم‌های دیگر دارم. فقط خودم هستم  
در اتاقم در تمام روزها و شب‌هایی که زندگی می‌کنم، فقط به کار و  
نوشتن نمایشنامه‌ها می‌پردازم. زمانی که نمایشنامه‌ام را تمام کردم  
فکر می‌کنم آن اثر، کار ارزشمندی است که می‌توانم آن را کارگردانی  
کنم. می‌روم در قالب نوعی کارگردان. از این به بعد باید مشغول بشوم  
به بازیگری و کارگردانی را به بهترین شکل به صفحه بیارم. استادم  
پیرام می‌گوید: «تو آدمی نمایش «مرگ یزدگرد» را به جگه دراند:  
و یزدگرد در موزه به آسیایی‌ها درآمد و آسیایی‌ان را به طمع زر و مال

بکشت. تاریخ/ حالا اگر نمایشنامه را باز کنید، می بینید آسیابانی تصویر شده که با سختی کار می کند اما دامد مأموران حکومتی به خانواده اش حمله می کنند. در حالی که اعراب به ایران حمله کرده اند، بزرگدر تمام افراشیدن در حال فرار هستند و به طور اتفاقی در طوفان کم می شود و به این آسیاب می رسد. حالا آسیابان به بزرگدر می گوید: «ای پادشاه، من سالها به تو بیاج و خراج دادم برای چنین روزی که کسی به خانواده من حمله کرد باید کسی از من و خانواده ام دفاع کند. بعد حالا تو داری فرار می کنی؟» زن آسیابان می گوید: «مسأله من اکنون خودم نیست، بلکه پسرانم است که هنوز ۱۸ ساله نشده و سربازان را تو او را به عنوان سرباز پرده انداخته و ما متوجه نشده، جسدش را

هشت زخم پیکان برای من آوردند.» بنابراین اجازه  
 می‌خواهد تاحق شان را از یزدگرد بگیرند و او را می‌کشند.  
 سیبایان و زن آسیبان نه به خاطر طمع زر  
 مال، بلکه به دلایل دیگری دست  
 به کشتن یزدگرد می‌زنند. حال این  
 سؤال پیش می‌آید که آیا این  
 اوایل از مرگ یزدگرد، خیانت  
 و جادو درستی است یا از  
 نظر اخلاقی خیانتی  
 نباشد؟  
 پاسخ می‌دهم: «بله»  
 می‌باشد.

شما بازیگرید،  
و یسنده اید، کارگردانی  
می کنید و کارگاه بازیگری  
ارید... حمیدرضا نعمی این ترافیک

اری را چگونه مدیریت می‌کند؟

کنون که به ۵۰ سالگی نزدیک می‌شوم، احساس می‌کنم به اندازه یک فرد ۵۰ ساله زندگی کرده‌ام و جریبای زیادی از دنیا دارم. اگر بگویم که عجیب‌ترین غذاها و نوشیدنی‌ها را تجربه کرده‌ام، واقعا درست است. به عنوان مثال، در یکی از سفرهایم به جنوب کشور، ازانی عرب مواجه شدم که از عراق به خاطر صدام رانده شده بود و در شرایط بسیار سختی زندگی می‌کرد. من مام پولی که داشتم، یعنی ۵۰۰ تومان به عنوان کمک به او دادم و او فقط به من نگاه کرد. همسر این زن با یک قایق کوچک و نی به رودخانه‌ای با آب سبز رفت و من دیدم که او برای خانواده‌اش از آب استفاده می‌کند. من در سخت‌ترین شرایط زندگی کرده‌ام، با مردمان کردستان و بلوچ‌ها در دورترین نقاط ایران که

بجاده‌ها زیر شن مدفون شده بودند و  
نیز از نندگان با ترس از حمله راهزن‌ها عبور  
می‌کردند. من جنگ را در شهر خودم  
زمانی که عراق به  
شهر ما حمله کرد و ما

## رونمایی از مستند «دکتر قانر» به مناسبت روز غزه

مستند «دکتر تان» به کارگردانی محمد مجیدپور و تهیه‌کنندگی مصطفی شوقی، امروز ۲۹ دی همزمان با روز غزه با حضور دکتر تانتر کاماجی و جمعی از فعالان حامی فلسطین در کافه فلسطین به نمایش درمی‌آید.

این مستند، روایت زندگی و تلاش‌های انسانی تائر کاماجی، پزشک اطفال و اهل ترکیه در غزه است که توانست پس از ماجرای ۷ اکتبر به همراه گروهی از پزشکان بین‌المللی مازم غزه شود؛ سفری که ماجراهای مختلفی را به همراه داشت. عاقله مذن می‌تواند امروز ساعت ۱۱ خرابان فلسطین، واقع در خیابان انقلاب، بین خرابان فلسطین و وسال شیرازی، پلاک ۹۵۵ حضور داشته باشد.

## «ایرانم»: تور کنسرت علیرضا قربانی در ۴۰

تور کنسرت جدید علیرضا قربانی، خواننده موسیقی ایرانی با عنوان «ایران» از بهار ۱۴۰۴ آغاز و برای امکان پوشش تعداد بیشتری از مخاطبان و علاقه‌مندان، در شهرهای تهران، شیراز، اصفهان، نیشابور، کرمان، تبریز و جنوب ت. قلععه‌ای جدید که با هم‌راهی آهنگسازهای ای متفاوت از کنسرت‌های قبلی اجماعی شوند. گردشگری فرهنگی در سطح کشور، ایجاد توازن و تانداورد و یکسان اجرای موسیقی در شهرهای ر می‌شود. آخرین اجرای قربانی در تور کنسرت همگیمیکر مخاطبان هم‌راه بوده‌است. قربانی تیرماه ۱۴۰۴ به مدیترانه هنری حسان ناصری و تهیه‌کننده ت. جیدیت برگزار کرد. تور کنسرت ایرانی نیز به فرهنگی - هنری شهر آفتاب و آهنگ اشتیاق



«درخت بخشنده»  
تبدیل به شعر شد

صطفی رحماندوست، نویسنده و شاعر  
 مام‌اشناکه عمده فعالیتش در حوزه  
 کودک و نوجوان است، درباره تازه‌ترین  
 کتابش به مهر گفت: به‌تازگی کتاب  
 «درخت بخشنده» شل سیلو رستاین  
 می‌کردم این کتاب شعر است. این  
 رد که اگر آن را انجام دهم، برای چاپ  
 باب، اوضاع زندگی نویسندگان و شاعران  
 ف کرد و گفت: یک زمانی تیراژ کتاب‌های  
 رار نسخه بود اما امروز این تیراژ سقوط

بیون نفر بود، کتاب من چند میلیون تیراژ  
رای شعر کودک رویاست.



را به شعر درآوردم، چون کتاب یک ویرایش نهایی آماده می‌شود.

رحماندوست با اشاره به گردک و نوجوان را نامناسب من در چاپ اول ۵۰ هزار و کرده است.

آواره شدیم، من اجساد را دیدم که به طرز وحشتناکی روی هم  
تکثیر شده بودند. به همین دلیل به اندازه ۵۰۰ سال زندگی و تجربه  
ده‌های جامعه و جوانان را احس کرده‌ام، احساس می‌کنم که به  
اندازه کافی کار نکرده‌ام. من روزانه ۲۱ ساعت کار می‌کنم و در حال  
تحقیق و نوشتن مقالات هستم، اما هنوز احساس می‌کنم هیچ کاری  
نکرده‌ام. من در زمینه آگاهی بخشی به جامعه نقش مؤثری داشتم،  
ما بار زیادی بر دوش من است. هیچ وقت التماسی نکردم یا باجی  
ندادم تا تماشاگران تئاتر را ببینند. تلاش کردم تا به‌شعر مخاطبانم  
حترم بگذارم، خودم را در سطح مخاطب نمی‌بینم. انسان باسواد  
بسیار من به‌ر می‌سواد بود. وقتی از او می‌خواستیم که پولی به من  
بدهد تا نام «کلید» آقای محمود دولت‌آبادی را بخرم، می‌گفت  
جازه بدهم برنامه‌ریزی کنم تا نظام زندگی‌مان به‌هم نریزد و بعد  
هرینه را به من می‌دادند و می‌گفتند برو کتاب بخر. من از این مرد  
درس زندگی گرفتم.

در این نقطه از زندگی تان که ایستاده‌اید چه برنامه‌ریزی‌ای برای پیش‌رو دارید؟

تاکون ۵۰ اثر نمایشی نوشته‌ام که تنها ۱۸ تایی آنها به چاپ رسیده است. امیدوارم فرصتی فراهم شود تا بتوانم تمامی این نمایشنامه‌ها را منتشر کنم، زیرا این آثار تنها میراث من نیستند و هریک از آنها را با توجه به شرایط و نیازهای جامعه‌ام نوشته‌ام. آخرین اثری که روی آن کار کردم، نمایشنامه‌ای به نام «اینک انسان» بود که به شش ساعت پایانی عمر حضرت مسیح (ع) می‌پرداخت. زمانی که ایشان در یک دادگاه رومی محاکمه و به اعدام یا مصلوب شدن محکوم می‌شود. این نمایشنامه را سال ۱۳۹۵ نوشتم و تقریباً هشت سال منتظر بودم تا بتوانم آن را به اجرا برسانم. در اینک انسان بایک گروه حرفه‌ای و تعدادی از جوانان در حال کار هستم. امیدوارم مخاطبان تئاتر با حمایت از این اثر ما را همراهی کنند. خوشحالم که این فرصت برای من فراهم شد تا به دعوت چهل و سومین جشنواره تئاتر فجر، این نمایش تولید شود. به عبارتی بنده شرایط تولید تئاتر نداشتم. وضعیت تئاتر بسیار پیچیده و بغرنج است.

❓ چرا شرایط تقاتر ایران را پیچیده و بغرنج می‌بینید؟

برخی افراد با یک جریان سیاسی مشکوک و لاکچری در حال آلوده کردن تئاتر هستند و فکر می‌کنند با بلیت‌های نجومی و دستمزدهای میلیاردری به بازیگران تئاتر، می‌توانند اوضاع را بهتر کنند. به عنوان مثال، اگر بازیگری در نمایش پنج میلیارد، چهار میلیارد یا هفت میلیارد دستمزد بگیرد، من حتی نمی‌توانم با دستمزد ۱۰۰ میلیونی به این افراد نزدیک شوم. این وضعیت تئاتر به قدری ترسناک شده که به نظر می‌رسد یک جریان مافیایی در حال دسیسه است. به مسئولان امر، از وزارت ارشاد و فرهنگ گرفته تا مسئولان دیگر هشدار می‌دهم و قطعاً مطلبی در این مورد خواهم نوشت و در رسانه‌ها منعکس خواهم کرد. امیدوارم ایشان به عنوان وزیر، نقش خود را ایفا کنند و مراقب باشند که تئاتر یک هنر والا و آسان‌ساز است که فراتر از تفریح و سرگرمی، به مردم آگاهی و اطلاعات می‌دهد.

**قَاب**

